

گفتگو و نخبه گرایی در ادبیات نمایشی

پژوهش و نگارش: علیرضا جلالی تبار

www.ketab.ir

نام کتاب : گفتگو و نخبه گرایی در ادبیات نمایشی

گروه سنی : بزرگسال

نویسنده : علیرضا جلالی تبار

تعداد صفحه ۱۴۶

قطع : جیبی

زبان : فارسی

موضوع : ادبیات نمایشی

طرح جلد : علیرضا جلالی تبار

زمینه : هنرها و ورزش

شابک : ۹۷۸۶۰۰۹۲۴۳۳۶

www.ketab.ir

زمان نو - تهران - ۱۴۰۱

فهرست

مقدمه

تعریف نخبه گرایی

زاییده شدن درام از نمایش

نمایش چیست ؟

تحول نمایش

بررسی ساختار طبقاتی ایران

مراسم دیونیسوس خدای نوشیدنی های تند

اقتصاد و شکل گیری اولین واحدهای جمعیتی

بررسی نمایش دراماتیک و شکل گیری تئاتر دراماتیک

قاجاربه

ملک قجر

تهران پای تخت ایران است

نمایش و دیگر تظاهرات فرهنگی

میراث قجری

دوره پهلوی

دهه اول انقلاب ۵۷ الی ۶۷

۶۷ الی ۷۶

۷۶ الی ۸۰

ساختارهای درام تا چه اندازه ملهم از ساختارهای اجتماعی هستند و چگونه با تغییر قدرت های موجود در اجتماع تناسب های جدیدی در این روش بیانی یعنی درام به وجود می آید. درام هسته اصلی هر گونه نمایش است. بنا بر تعریف ارسطو درام روح کلی و حیاطمند نمایش است که با ادامه درگیری دو نیروی همسان ادامه می یابد و در پایان با غلبه یکی بر دیگری به پایان می رسد. این تعریف ارسطو دوره کوتاهی در دوران باستان ماندگار شد. با استیلای مجدد دیکتاتوری و زوال مردانی چون سولون، تئاتر یونان جای خود را به نمایش های عامه و در دوران رومیان به نمایش نبرد حیوانات و درام های سراسر خشونت داد. خشونتی که در برابر تزکیه عقلانی به برون ریز و تخلیه عاطفی توجه ویژه ای داشت. نیاز به نمایش درونیات بشر با زبان لباس ها آیین ها و امتیازات طبقاتی بیان این نکته را ضروری نموده که هیچ جامعه ای بدون نمایش نیست، این نکته مخاطب را یاری می دهد تا در اعتلای آیین ها و تکامل نمایش نقش موثری ایفا کند. نمایش بخش جدا نشدنی ساز و کار هر فرهنگ هوشمند حیوانی و بعد ها انسانی است. دقیقاً از جایی که تخیل به کمک گونه های انسانی اولیه می آیند تا

نمایش را از شکل زبانی غریزی به سوی ابزاری قدرتمند ارتقا دهد . تاریخ نمایش و درام ، تاریخی است در کنار اختراع ابزار و آتش و چرخ که عموماً ناگفته مانده است . نمایش پیش از آنکه چیزی بگوید ساختاری دارد نیمه خود آگاه مانند سخن گفتن اما بسیار کامل تر از آن . تلاشی برای شرح آنچه انسان در آینده می خواهد . از شفای درد ها تا شکار گاو های وحشی برای خوراک یا بار آوری کشت و کارش . با کمک خیال این میراث کهن نمایشی توسط سولون در آرایش شهر های یونانی جایی مناسب یافت . نمایش ساز و کاری یافت و از جشن های شهوانی نوشیدنی نوشی به پای تپه ای هدایت شد و سخنورانی چون اشیل و سوفکل و اورپید به شرح مصائب انسان بودن پرداختند . ابزار از غرض ها شسته و باز در خدمت بشر درآمد . از این رو جشن های تئاتری آتن را می توان یک آغاز دانست . خردورزی یونانیان در کنار برنامه ریزی های شهری خدای سراسر شور و هیجان دیونی سوس را شهری نمود . مارتین اسلین در کتاب نمایش چیست اجراگری و تمام خرده اجراهای همراه با شعبده را در گروهی پیش از تئاتر و با نام نمایش دسته بندی می کند . استفاده از نمایش در روم باستان با نمایش سلاحی حیوانات در آمیخت تا در کنار پالایش فلسفی یونانی ، برون ریخت و تشفی ترس های رومی را نیز چاره گر باشد . نمایش با گسترش قبایل و ستیز و نابودی یا بر آمدن قوم و قبیله ای نو ، تغییر

یافت و چگونگی اش را تحت تاثیر قرار داد یا گاهی وقفه ای را نیز موجب شد. اما همواره زبان نمایش چون برون ساخت فرهنگ حضور داشته و گاهی با اجتماع متعالی و گاهی در خفیف ترین شکل و با ابزاری خلاصه مسافر شده است. گروه هایی که روزی چندین نوازنده و عروسک ساز و قصه گو داشتند در دوران جنگ و محنت به یک مرشد و یک صندوق و شاگردی که گاهی فرزند نمایشگر بود خلاصه شده اند. تاریخ نمایش در دوران مسیحیت و و قرون وسطی یا سرگذشت نمایشگران و سایه گردانان در فلات آسیا گویای خوبی برای تحلیل این سرگذشت است.

از آنجایی که نمایش و ورودش به مکانی در عهد آتن همراه با سخنوران بزرگ یونانی بوده است همواره متن و ادبیات تا قرن بیستم خط فاصل تقسیم تئاتر با دیگر گونه های نمایشی منظور شده است. هرچند می دانیم که متنی چون شکونتلا در هند هم نمایشی تئاتری است و هم کهن تر، اما یونان نظر به وسعت یافته ها و پژوهش های فعلی نمایانگر نوعی تحول هماهنگ در نمایش و جهان اجتماعی اطراف است. این تحول خود به مدد متونی چون فن شعر ارسطو در روزگار ما قابل بازیابی است. سال ها بعد تر در سالهای میانه تاریخ قاره سبز نمایشگران دوره گرد سال ها به نمایش پرداختند اما نبود

مدارک کتبی و استفاده آنها از داستان های محلی صفحات نا شناخته ای تا دوران شکسپیر را پیش رو دارد .

زمانی که کلیسا یا قدرتمندان شرق و غرب به ساز و کار این زبان کهن پی بردند خود از سفارش دهندگان نمایش و بعد ها شکل متعالی تر آن متأثر شدند . در سوی دیگر گونه و اشکالی در شرق به قصد صواب یا باروری و برکت با نام های کاتاکالی در هند یا در پهنه فلات ایران تعزیه و تماشا زبان گویای فرهنگ بوده است . که متأسفانه این تعامل نانوشته مانده است اما متکی بر واقع گرایی و پذیرفتن حیات گروهی به نام مردم در کنار خبیگان است . دو حیطة مجزا اما متعامل .

این تصمیم برای تکامل اجتماع موجب قدرت گرفتن گروه های انسان ها است که گاهی با جنگ و بی پناهی عقب نشسته و باز با رفاه و سال های پر آب و باد های پر برکت رونق گرفته است . هنوز که هنوز است . فرهنگ محصول معیشت انسان است . فرهنگ زاده توانایی ساماندهی و رشد سبد خوراک روحی و جسمی است . انسان گرسنه نه تنها دین و ایمان ندارد بلکه برخلاف جانوران تک رو اقبال و بختی برای بقا هم ندارد . نمایش گاهی با ترویج ترس و خرافات حامی نوعی نظم ابتدایی بوده و دیگر گاه با بشارت و امید بخشی ، امید به زندگی بشری را پراکنده کرده است . اما تمام این ها مدیون نوشتن و ساز و کار سامان دهی روز آمدی است به نام خط . تعامل دبیران و اقوام دیگر .